

جمع‌بندی از کلام محقق خراسانی

از مجموع کلام ایشان استفاده می‌شود که اصل اولی در تعارض ادله بنا بر طریقت و یک فرض از سببیت سقوط یکی از متعارضین از حجیت است، لکن به دلیل عدم تعیین، همه اطراف از حجیت می‌افتد و بنا بر فرض دوم در سببیت، سقوطی در کار نیست، بلکه مطلقاً قانون تزاحم (مبنی بر لزوم اخذ به اهم و تخییر بنا بر نبود اهم) پیاده می‌شود. البته در فرض دوران امر بین حکم الزامی و غیر الزامی دو دیدگاه قابل طرح است:

1. گفته شود: غیرالزامی مزاحم الزامی نیست «ضرورت عدم صلاحیه ما لا اقتضاء فیہ ان یزاحم به ما فیہ الاقتضاء»؛
2. گفته شود: از آن جا که حکم غیرالزامی مستند به دلیلی معتبر است در حدی که حکم الزامی نیز به دلیل مستند است؛ قهراً مزاحمت بین دو پدیده‌ای است که هر دو اقتضا دارد و - بالطبع - قصه تزاحم بر می‌گردد و به دلیل «کفایت عدم تمامیت علت الزامی در حکم به غیر الزامی» جانب غیرالزام، مقدم می‌شود.

توضیح بیشتر بند اخیر کلام محقق خراسانی

قسمت اخیر کلام محقق خراسانی می‌تواند به شکلی که محقق حکیم توضیح داده، بیان شود؛ بدین قرار:

«یدعی ان الاباحه و ان کانت من الاحکام غیر الاقتضائیه فی نفسها الا ان مقتضی القول بالسببیه ان تكون اقتضائیه؛ لان مقتضی السببیه ان یکون قیام الاماره علی حکم موجباً لثبوت مقتضی الحکم؛ فاذا قامت الاماره علی اباحه شیء کان قیامها موجباً للاباحه فتکون الاباحه اقتضائیه فتصلح لمزاحمة الوجوب....»¹

لکن فارغ از مورد سخن، می‌توان کلام محقق خراسانی را به گونه‌ای دیگر تفسیر کرد و گفت: در تعارض حکم الزامی و غیر الزامی گاه نگاه به این دو حکم - به عنوان دو برابند از دو دلیل - می‌شود، واضح است که در این فرض اگر یک طرف حکم الزامی و طرف دیگر حکم غیر الزامی (حتی مستحب و مکروه) باشد، حکم الزامی مقدم است. لکن گاه نگاه به اطلاق دلیل این دو حکم می‌شود در این جاست که قصه تعارض پیش می‌آید و باید ملاکات تعارض دیده و اعمال شود. چنان که گاه نگاه به ملاکات دو حکم می‌شود، در این جا هم گاه ملاک غیر الزامی موجب شکسته شدن ملاک حکم الزامی می‌شود و برای آن مزاحمت ایجاد می‌کند. با این توضیح خدشه بر برخی سخنان چون کلام شیخ انصاری معلوم می‌شود، آن جا که در رد سخن مستدل به عدم ثبوت حرمت غنا در قرائت قرآن فرموده است:

¹ حقائق الاصول، ج 2، ص 561.

« ان ادله المستحبات لا تقاوم ادلة المحرمات... و السرّ فی ذلک ان دلیل الاستحباب انما يدل علی کون الفعل لو خلی و طبعه خالیا عما یوجب لزوم احد طرفیه فلا ینافی ذلک طرقاً عنوان من الخارج یوجب لزوم فعله او ترکه...»²

و این در حالی است که مستدل می‌تواند ادعا کند همان گونه که دلیل دال بر الزام و حرمت اطلاق دارد، می‌تواند دلیل دال بر غیر الزام نیز اطلاق داشته باشد، قهراً در مجمع صدق هر دو باید دید که قاعده چه اقتضایی دارد و هیچ سندی از جانب شارع در دست نیست که (مثلاً) قرائت قرآن با صوت غنایی داخل در اطلاق روایات دال بر استحباب تلاوت قرآن با صوت حسن نیست، چنان که هیچ سندی از اطلاق مستقر و پا بر جا تا آخر نسبت به ادله حرمت غنا در فرض مورد بحث وجود ندارد.

به نظر می‌رسد فرض نزاحم با فرض تعارض در اندیشه و کلام شیخ انصاری به هم آمیخته است؛ مستدل نظر به تعارض دارد و شیخ ناظر به نزاحم است.

کلام شیخ در مجال خودش مورد گفتگوی جدی محشین بر مکاسب واقع شده است و مطالب زیادی - صحیحاً و سقیماً - در این پیوند گفته شده است.³

استفاده از مفاد کلام محقق خراسانی در بسیاری از مسائل نوپیدای اجتماعی و سیاسی

مطابق توضیحی که ما از کلام محقق خراسانی ارائه دادیم، می‌توان از این مفاد در بسیاری از مسائل بهره برد، مثلاً گاه اقدامات دولت در مواردی - که نمی‌توان نام مصالح ضروری و واجب‌التحصیل بر آنها نهاد، لکن محصل کلان مصالح عمومی حاجی و یا تحسینی است - با آن چه به حسب دلیل حرام است ناهمسویی پیدا می‌کند، واضح است که اگر به این مورد، نگاه نزاحم داشته باشیم باید قصه تقدم حکم الزامی بر غیر الزامی را مطرح کنیم و حکم به عدم جواز این نوع از اقدامات نماییم. در حالی که با طرح تعارض و نگاه به اطلاق جواز یا استحباب این بخش از اقدامات دولت یا با فرض نظریه شکستن ملاک تام حکم الزامی به خاطر ناهمسویی با ملاک حکم غیر الزامی، راه برای حکم به جواز اقدامات اصلاحی حاکمیت باز می‌شود.

از این قبیل است مسائلی چون تلقیح مصنوعی، تعقیب در آن جا که مصلحتی بر این امور مترتب است، مصلحتی که نمی‌توان آن را لازم‌التحصیل و ضروری دانست لکن انجام این اعمال یا فی نفسه حرام است یا مستلزم تحقق برخی محرمات چون نگاه محرم به شرمگاه (یا لمس آن) است. در عین حال قصه تعارض پیش می‌آید و راه برای جواز این اعمال باز می‌شود (دقت شود).

2. المكاسب، ص 39.

3. ر.ک: حاشیة الايروانی، ج 1، ص 31 و 32؛ مصباح الفقاهة، ج 1، ص 316 و 317؛ المكاسب المحرمة، ج 1، صص 219 و 223.